

پزشکی خواندند و درجه دکتری گرفتند و طبیب خوب و حاذقی شدند ، پیش از سفر هم جوانی خوش لباس ، مهذب ، تربیت شده و از خانواده محترمی بودند ، بعد از برگشتن بایران اگر اشتباه نکنم استاد دانشگاه شدند بیمارستان خوبی نیز دائر کردند که از حیث تاریخ تأسیس از بیمارستانهای نسبتاً قدیمی و خوب تهران بوده و حالا هم در خیابان آقا شیخ هادی شمالی برقرار و دائر است .



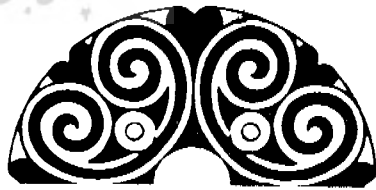
۲۲ - بصیر - عبادالله - نیز موقع عزیمت بفرانسه فقط دیپلمه متوسطه ولی جوانی خوش مشرب ، پر جنب و جوش و قوی بنیه و ورزشکار بودند در فرانسه در رشته دندان پزشکی دکتر گرفتند و پس از مراجعت بایران علاوه بر دائر کردن مطب دندان - پزشکی در خیابان لاله زار نو نزدیک منوچهری که هنوز تا بلوش به چشم می خورد - گویا مدتی هم معلم یا دبیر ورزش مدرسه نظام شدند ، بهر حال جوانی بود در آن زمان تروتیز و خوش لباس و شیک پوش .

- ۳ -

اعزام

نخستین گروه

محصّلین به اروپا



۲۱ - باهر - عبدالله - تردید دارم از اینکه آیا ایشان قبل از سفر فرانسه درجه پزشکی داشتند یا خیر ؟ گویا نداشتند و فقط دیپلمه متوسطه بودند ولی در فرانسه

۲۳ - بهاری - فتح‌الله - ایشان هم آن زمان جوانی بود مهذب ، تربیت شده - از خانواده های محترم گویا گیلانی - دیپلمه متوسطه - در فرانسه بدرجه دکتری رسید

۲۴ - بهرامی - مهدی - آن مرحوم از خانواده محترم بهرامی ها که در تهران معروف است و هنگام عزیمت بفرانسه دیپلمه متوسطه بوده و در فرانسه و آلمان رشته باستان شناسی خواند و چند درجه دکتری گرفت و بایران برگشت و در اداره باستان شناسی بخدمت پرداخت - مرحوم دکتر مهدی بهرامی در آلمان با یک دوشیزه آلمانی وصلت کرد و در حفظ و نگاهداری بسیاری از آثار نئین و بناهای تاریخی ملی و بهتر و

غنی تر ساختن موزه ایران باستان کوشش ارزنده نمود، خدایش رحمت کند دانشمندی کم نظیر و متواضع و غیر متظاهر و استادی مسلم در رشته باستان شناسی و شناسایی آثار عتیقه بود.

۲۴ - پیر مرادی - نام کوچک و مشخصات دیگر این شخص محترم در خاطر من نیست باید به یادداشتهای اسامی رجوع نمایم .

۲۶ - پزشکان - ابوالقاسم - این شخصیت محترم اگر حافظه خطا نکند پیش از عزیمت بفرانسه از مدرسه عالی طب تهران دکترای پزشکی داشت در اروپا همان رشته را دنبال کرد ، دکترای مجدد گرفت و در بیماریهای مجاری ادرار تخصص یافت پس از مراجعت بایران استاد دانشگاه شد در خیابان صفی علیشاه هم مطب شخصی دایر کرد که گویا هنوز هم برپاست .

۲۷ - تقوی - مهدی - مانند دکتر اخوی ردیف ۴ - هر دو از خاندان محترم سادات شیرازی - و خویشاوند نزدیک مرحوم حاج سید نصراله اخوی (تقوی) پیش از عزیمت بفرانسه یکی دکتر در طب و دیگری لیسانسیه حقوق بود و هر دو در آنجا خوب درس خواندند - آنکه حقوق تحصیل می کرد دکتر حقوق شد و دیگری درجه دکترای مجدد در طب گفت -

۲۸ - ثقفی - فتح الله - موقع عزیمت بفرانسه - دیپلمه متوسطه بود - بر اثر بد رفتاری بعضی از مسئولین اداره سرپرستی محصلین درباریس همان سالهای اولیا دوم ترك تحصیل کرد استعفاداد و بایران برگشت و مدتها در بانک کشاورزی مشغول خدمت بود و حالیه دوره بازنشستگی و کهولت را می - گذارند .

۲۹ - ثقفی کاظم - ایشان هم دیپلمه متوسطه بودند، در فرانسه بادامه و اکمال تحصیل پرداختند - جوانی بودند بسیار مؤدب باریک اندام ، ظریف و زیبا ، قدری بلند بالا گونه های سرخ و خوش رنگ و خوش تپیی داشتند خیلی شیک پوش - خون گرم با هوش با استقلال ، لایق و صمیمی بودند بعد از برگشت بایران گویا بتدریس و دبیری و خدمت بفرهنگ مشغول شدند .

۳۰ - جلالی - فتح الله - که همین جناب استاد باشند و خودشان را طی خاطراتی در چند شماره آن مجله گرامی معرفی فرموده اند و هنگام شرکت در امتحانات مسابقه و عزیمت به آلمان در مهر ماه ۱۳۰۷ درجه دکتری نداشتند .

۳۱ - جلالی شیرازی - محمد علی ایشان هم فقط دیپلمه متوسطه بودند و درجه دکتری را پس از عزیمت بفرانسه گرفتند .

۳۲ - جهان - جعفر - ایشان فرزند مرحوم آیت الله مازندرانی و خویشاوند نزدیک آقای زین العابدین رهنما و آقایان حائری های مازندرانی هستند و الیوم جهان یعنی مرحوم آیه زاده مازندرانی فقید عالی مقام دانشمندی مسلم و مجتهدی عالی قدر و سالها استاد مدرسه عالی علوم سیاسی قدیم و دانشکده حقوق و حاکم محکمه شرع وزارت دادگستری و فاضلی کم مانند بود ، دوستی این بنده از آغاز نوجوانی با جعفر جهان واردت و شاگردی من بپدر معظم ایشان نوعی بود که چون خانواده و پدرم سالها در آذربایجان اقامت داشتند و بنده در تهران درس میخواندم اکثر روزها را ناهار در دولت منزل والدشان واقع در خیابان ری کوجه مقابل آبشار صرف می کردم برادران گرامی ، عزیز و دانشمند جهان ، پروفیسور دانا حائری ، دکتر مجید

حائری و کیل درجه اول دادگستری و دیگر برادرهایشان در آن زمانها خردسال بودند، جعفر جهان هم هنگام عزیمت بفرانسه لیسانس و دکتراندا داشت و در اداره محاسبات دادگستری جدید التاسیس مرحوم علی اکبر داور بارتبه اداری، با اتفاق حسن معاصر خدمت می کرد و این بنده و ابو الفضل آل بویه و بسیاری دیگر حتی لیسانس نگرفته بایران مراجعت نمود که داستانی دارد و دوره لیسانس حقوق را در دانشکده حقوق تهران طی کرد. پروانه و کالت گرفت، و دکترای حقوقش را نیز در این سالهای اخیر، پس از تشکیل دوره دکترا گویا دوره سوم، از دانشگاه تهران درجه دکتری در حقوق دریافت داشت و حالیه با پروانه درجه اول بوکالت دادگستری اشتغال دارند.

۳۳ - جواهری - مرتضی - موقع مسافرت بفرانسه فقط دیپلمه متوسطه بود، یادم نیست در فرانسه چه رشته خواند، دکترا یا مهندسی گرفت، از نام خانواده اش پیدا است که متعلق بیازگانان معروف و ثروتمند جواهری های تهرانی و جوانی مذهب و با استعداد و دارا بود.

۳۴ - حافظی - محمود - نیز فقط دیپلمه متوسطه بود، پیش از سفر با اروپا درجه دکتری و لیسانس نداشت - درجه دکتری را در فرانسه دریافت داشتند.

۳۵ - حامی - احمد - این شخصیت محترم و دانشمند نیز دیپلمه متوسطه و در ایام عزیمت بفرانسه جوانی بسیار آراسته، لایق با هوش و خوش لباس و منظم و مورد احترام همه محصلین بودند، در فرانسه رشته راه و ساختمان را تحصیل کرده و بسا نمره های درخشان درجه مهندسی گرفتند، پس از مراجعت بایران شاغل و مقامات گوناگونی

داشتند و تا بمعاونت وزارت راه هم نائل گردیدند مردی بودند و هستند بتمام معنی کلمه با شرف، پاک، لایق، دانشمند، وطن پرست و سرشار از غرور ملی، اکنون هم بحمد الله زنده هستند و بمطالعه و تحقیق روزگار می گذرانند که الهی سالیان دراز زنده و تندرست و کامیاب بمانند.

۳۶ - حبیبی گلپایگانی - مصطفی ایشان پیش از عزیمت بفرانسه درجه دکترای پزشکی از مدرسه عالی طب یا یگانه دانشکده پزشکی تهران را داشتند، جوانی بودند بی اندازه مؤدب، لایق، مذهب، خوش لباس، شیک پوش زیبا و خوش اندام و مورد احترام و محبت تمام محصلین و در فرانسه هم یادم نیست چه رشته پزشکی را با احراز لیاقت و شایستگی دنبال کرده و درجه دکتری مجدد و تخصصی گرفتند.

۳۷ - حسابی - سید مهدی - نیز دیپلم متوسطه داشتند، در فرانسه گویا مهندس شدند و درست یادم نیست و با یک دوشیزه فرانسوی ازدواج کردند.

۳۸ - حکمت - محمد علی - هنگام عزیمت بفرانسه دیپلمه متوسطه. اهل شیراز و اگر اشتباه نکنم، فرزند مرحوم نظام - الدین حکمت مشاور الدوله وزیر پست و تلگراف و خویشاوند یا برادرزاده سردار فاخر حکمت، جوانی خوش لباس بی اندازه منظم، شیک پوش تا بعد افراط و اشرافی ولو کس و مجلل لایق خوش تیپ، خوش برخورد و خون گرم، صمیمی و آقامنش و خلاصه یکپارچه قابل احترام و دوست داشتنی بودند در فرانسه گویا حقوق خواندند و پس از مراجعت بایران مشاغل مختلفی داشتند و مدتی هم استاندار تهران شدند.

۳۹ - خبیری - عزت الله - در ایام

مسافرت بفرانسه دیپلمه متوسطه اذدارالفنون بودند سال اول درلیسه تورنوجنوب فرانسه باتفاق دوازده نفر دیگر با بنده درس می خواندند که با من چهارده نفر میشدیم - از همه ماها چهارده نفر یکی دو سال من تر و چون متین ، سنگین ، موقر و آرام و محترم بودند باتفاق آراه ایشان را بنمایندگی و سخنگوئی خودمان با اداره سرپرستی و اولیای مدرسه برگزیده بودیم ، در رشته علوم طبیعی درس خواندند و درجه دکتری علوم گرفتند و بایران برگشتند و سالها استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران بودند و در رشته علوم طبیعی تألیفات سودمندی هم دارند و گویا حالیه بازنشسته هستند .

۴۰ - خشیایار - علی اصغر - نام خانوادگی این دوست عزیز درسابق امر حسبیا بود و بعد تغییر داده و به خشیایار تبدیل کردند ، ایشان خواهرزاده مجید آهی و از خویشاوندان مرحوم حاج میرزا حسن خان محترم السلطنه اسفندیاری و هنگام مسافرت دیپلمه دارالفنون پدرشان یکی از مستوفی های فاضل ، محترم ، خوش خط قدیمی ، خانه اشان یعنی خانه پدریشان در درخوانگاه نزدیک گذر وزیر دفتر و آن حدود ها بود که خاطرات خوش و شیرینی بنده از آن خانه دارد ، علی اصغر بمناسبت دوستی ها و همکاریهای بسیار ریشه دار ، قدیمی و صمیمی مرحوم پدرم با مرحوم محترم السلطنه اسفندیاری ، که از اعظم رجال دانشمند ، شریف ، وطن پرست واقعی ، خوش خط مثل عبدالمجید درویش طالقانی ، بودند و به مناسبت دوستی های خانوادگی و همسایگی با این بنده دوست مانند برادر هستند در فرانسه و سپس انگلستان سه چهار دوره درس خواندند ، در فرانسه درسه رشته ، حقوق

عمومی ، اقتصاد سیاسی ، و حقوق بین المللی و در انگلستان در قسمت سیاسی و اقتصاد درجه دکترا گرفتند ، پس از مراجعت به ایران که تقریباً مصادف با وزارت دادگستری مجید آهی می گردید اندک زمانی سردفتری دفتر خانه ۱۲ را بعهده گرفتند ، سپس به ریاست اداره دفتر دادگستری منصوب شدند . اداره دفتر خانه ۱۲ و انجام بسیاری از کار های اداره دفتر وزارت دادگستری را بدستور مرحوم مجید آهی به طور غیر رسمی که بیان علت آن اینجاست نیست ، باین بنده واگذار کرده و مقدراری از عایدات دفتر خانه و حتی جزئی از حقوق اداری خودشان را هم باین بنده کمک یا پرداخت مینمودند چون مرحوم آهی هم بمن مرحمت و محبت خاصی داشتند و بجهت وجود محظوراتی نمیتوانستند و بنده هم نمیتوانستم شغل رسمی و موظف بمن رجوع فرمایند ، با استعفای مجید آهی از وزارت دادگستری اداره دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲ به آقای انوار واگذار شد و دکتر خشیایار هم بواسطه سابقه تحصیلات از طرف دولت بنمایندگی و یا کمیسری دولت در شرکت نفت جنوب (ایران و انگلیس) منصوب گردیدند ، بعد از وقایع شهریور مکرر از طرف مجلس شورای ملی بمضویت هیئت نظارت سازمان برنامه انتخاب میشدند ، و در این سالهای اخیر پروانه درجه اول وکالت دادگستری گرفته و بوکالت اشتغال دارند .

۴۱ - دانشور - احمد - هم موقع مسافرت بفرانسه فقط دیپلمه متوسطه بودند ولیسانس و دکترا نداشتند .
۴۲ - رادمشر - رضا - اهل رشت و هنگام سفر بفرانسه دیپلمه دارالفنون در رشته ریاضی بود و دکترا نداشتند ، سال اول در

لیسه شهر کوچک و زیبای آبی-جنوب شرقی فرانسه با رضا اقصی سرس میخواندند در رشته ریاضی و مخصوصاً فیزیک تحصیل کرده دکترای فیزیک گرفتند و پس از مراجعت به ایران اشتاددا نشگاه شد ، طی سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ ، جزء ۵۳ (پنجاه و سه نفر) معروف با اتهام شرکت در دسته های تبلیغ مرام اشتراکی دستگیر و تحت تعقیب واقع و در دادگاه جنائی تهران بریاست حسینقلی خان وحیدی باستناد قانون مصوب ۱۳۱۵ گویا بهفت سال زندان محکوم و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۵ و تصویب و توشیح قانون عفو عمومی از زندان آزاد شد و بلافاصله با چند تن دیگر در تأسیس حزب توده شرکت جست و بعد از اخراج عباس اسکندری که روزنامه سیاست اوارگان رسمی حزب بود و مردن صفرعلی نوعی صاحب امتیاز اول روزنامه مردم و استعفای عباس نراقی مدیر

مسئول روزنامه مردم از حزب توده که بعد از روزنامه سیاست ارگان آن حزب بود امتیاز روزنامه مردم بنام دکتر رادمنش شد و آن روزنامه مدتی بعنوان ارگان رسمی حزب یومیه منتشر میشد و بعد امتیاز روزنامه رهبر را با اسم ایرج اسکندری گرفتند و رهبر ارگان یومیه و مردم بشکل مجله هنری علمی و تئوریکی بطور ماهیانه منتشر شد ، در نتیجه پیش آمد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصد خائنانه بجان مقدس شاهنشاه آریامهر که بتفضلات الهی عقیم ماند حزب توده بوسیله جناب دکتر منوچهر اقبال وزیر کشور وقت غیرقانونی و منحل شده اعلام و سران و گردانندگان مورد جستجو و تعقیب واقع گردیدند ، دکتر رادمنش در این میان از ایران فرار کرد و دیگر خبری از او ندارم .
(ادامه دارد)

بقیه اعلامیه . . .

نمائید . اینک برادران ژاندارم شما هستند که برای آگاهی و سرکوبی و تدمیر و قلع و قمع شما از مرکز می آیند چه بدبخت مردمی هستند که در عوض خدمت به این آب و خاک که اولین وظیفه مقدس شماست طرح برادرکشی را آغاز کرده و بنیر نگاهی چند نفروطن فروش منمعت پرست اغفال شده اید قطعاً و بطور یقین بدانید که اسامی فردا فرد شما ثبت و ضبط است و اگر تاوقت باقی است از رویه و رفتار خود که فقط ناشی از غفلت شماهاست دست نکشید و عدم اطاعت خود را نسبت بخائنین وطن ظاهر نسازید خاتمه زندگانی خود و خانواده خود را در هر جا هستند محقق و مسجل بدانید .

برادران خراسانی من ، من به فضل خداوند و بشمسیر خود تکیه داده و حقیقت ملیت را رهنمون خود ساختم هیچ رادع و مانعی عقاید وجدانی و افکار استقلال طلبی مرا منزلزل نخواهد کرد من ایران را برای ایرانی می خواهم و شرف و اعتبار را نیز در ایرانیت می دانم و از بزرگترین عواقبی که سد جلوی من در این راه واقع شوند اندیشه ندارم آن دست های پلیدی که از آستین اجنبی بیرون آید باید قطع شود آن نمناات شومی که گلزار فرح بخش این مملکت را مکدر سازند باید تا به ابد منقطع و مقطوع بمانند .

هموطنان خراسانی من ، من مدلول این عقاید را بتمام قسمت های اردوی رشید خود که از هر طرف برای مصفا کردن خاک پاک شما حرکت کرده اند شدیداً توصیه کرده ام و شما هم ای ایرانیان ناخلفان را از خود دور کنید و اهلیت خود را بر عالم ثابت نمائید پبای خود به ایستید و بیازوی توانای خود تکیه کنید خداوند مددکار شما و ایران پشتیبان شماست .

وزیر جنگ رضا